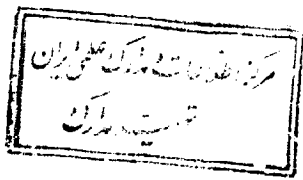


۳۵۴۲۵



۱۳۸۰ / ۲ / ۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی جایگاه تفکیک قوا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

بوسیله  
تاجعلی حاجی علیزاده

پایان نامه  
ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی بعنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته  
حقوق عمومی  
از  
دانشگاه شیراز  
شیراز، ایران

011908

ارزیابی و تصویب شده در کمیته پایان نامه با درجه : **بسیار خوب**

امضاء اعضاء کمیته پایان نامه:

دکتر سید محسن شیخ الاسلامی ، استادیار حقوق عمومی ( رئیس کمیته )

دکتر محمد امامی ، استادیار حقوق عمومی

دکتر نادر مردانی ، استادیار حقوق عمومی

زمستان ۱۳۷۸

۳۵۴۲۵

## تقدیم به :

### پدر و مادر عزیزم

که زحمات طاقت فرسا را تا کنون در جهت رشد و بالندگی  
حقیر متحمل شده‌اند.

### همسر عزیز و گرانقدرم

که رنج ناشی از تحصیل بنده را در مقطع کارشناسی و  
کارشناسی ارشد با صبر فراوان متحمل شدند و به حق و حقیقت  
مجدانه یاریم نمودند.

## سپاسگزاری

سپاس و ستایش فراوان خداوند قادر متان را که بنده را توفیق داد تا مرتبه دیگری از درجات تحصیل را پشت سرگذارم، و در راه اطاعت و بندگی او انشاء الله شناخت بیشتری داشته باشم و بتوانم به اسلام و مسلمین خدمت بیشتری کنم.

همچنین بر خود لازم و ضروری می‌دانم از زحمات و خدمات تمامی عزیزانی که در جهت تحصیل این حقیر در تمامی مقاطع مخصوصاً در دوره کاشناسی ارشد حقوق عمومی مرا مساعدت نمودند، تشکر نمایم، منجمله شایسته است از کلیه اساتید و کارکنان دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، خصوصاً اساتید محترم گروه حقوق عمومی، استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر سید محسن شیخ الاسلامی و اساتید محترم مشاور آقایان دکتر محمد امامی و دکتر نادر مردانی سپاسگزاری و قدردانی کنم.

# چکیده

## بررسی جایگاه تفکیک قوا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

بوسیله

تاجعلی حاجی علیزاده

از مباحث مهم مطروحه در حقوق اساسی اصل تفکیک قوا می‌باشد که در جهت کنترل قدرت سیاسی نهادینه شده است. بستر فکری نظریه تفکیک قوا در قرن هیجدهم میلادی توسط اندیشمندان فرانسوی همچون منتسکیو ایجاد گردید، مسئله مهم در نظریه تفکیک قوا آن است که چگونه می‌توان قدرت حکومت داران را مهار نمود، و آن را تحت مهمیز و کنترل قرارداد. این امر محرز است که قدرت بدون حد و مرز فساد آور می‌باشد و هر کس قدرت را در دست گیرد، گرایش به سوء استفاده از آن دارد، بنابراین برای اینکه جلوی سوء استفاده از قدرت گرفته شود، باید آن را از حالت تمرکز درآورد و پراکنده و متلاشی ساخت، چرا که هر قدرتی که به نحوی از انحاء تقسیم نشود، به استبداد خواهد شتافت، لذا قبل از اینکه به مرحله اجرا گذاشته شود بایستی محدود شود، و این نکته توسط تمامی اندیشمندان حقوق و علوم سیاسی مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در این پایان نامه نظریه مهار قدرت سیاسی در چهارچوب نظام تفکیک قوا در حقوق اساسی مطالعه شده است و ابتدا مبانی نظام تفکیک قوا و تاریخچه آن در حقوق اساسی غرب و ایران و سپس نظام تفکیک قوا در ایران بررسی و تطبیق گردیده است. در

چهار

جمهوری اسلامی خطوط اصلی نظام سیاسی و اداری کشور مبتنی بر اصل تفکیک قوا است، که حکمت و رمز نهفته در آن جلوگیری از تمرکز قدرت و فسادهای ناشی از آن است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معیار و ضابطه قانون را برای تفکیک قوا بکار برده است و بر این اساس اصل ۵۷ قانون اساسی تصریح می‌کند، که قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، مجریه و قضائیه که همگی زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت قرار دارند و بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند، و این قوا مستقل از یکدیگرند. اصل مذکور کلیات را بیان می‌کند، و با مراجعه به دیگر اصول قانون اساسی متوجه ارتباط و همکاری قوای مذکور با یکدیگر می‌شویم، یعنی علی‌رغم استقلال هر یک از قوا، روابطی بسیار دقیق و منظم بین قوای مذکور وجود دارد و قانون اساسی جمهوری اسلامی هر جا که لازم و ضروری است بر این همکاری و ارتباط تصریح کرده است و چون قوای مذکور حاکمیت را به نمایندگی از طرف ملت اعمال می‌کند، در نتیجه در مقابل دولت و ملت مسئولند.

نظارت و کنترل رهبری بر قوای مذکور طبق اصل ۵۷ قانون اساسی بخاطر ولایت نامبرده و نظارتیست که قانون اساسی معین کرده است و ما بایستی اصل ۵۷ را در ارتباط با دیگر اصول خصوصاً اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف رهبری را بیان می‌کند در نظر بگیریم اما از جهتی دیگر می‌توان گفت علی‌رغم اینکه قانون اساسی وظایف و اختیارات هر یک از قوای سه‌گانه را بطور جداگانه مشخص و معین کرده است و امور حکومتی اصولاً بایستی طبق اصول مقرر انجام شود اما بعضی مسائل و مشکلات رهبری را به اتخاذ تصمیمات فوق‌العاده مجبور می‌کند، که این حالت راه را برای گریز از قانون اساسی باز می‌گذارد اگر چه این پایان نامه تلاشی در جهت نمودار ساختن رعایت اصل تفکیک قوا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است ولی این وجیزه صاحب‌نظران را در بحث و بررسی عمیقتر از مبحث فوق به لطف باریتعالی و تلاش پژوهشگران حقوقی یاری می‌دهد.

# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

## فصل اول - مقدمه و کلیات

۱-۱-۱ مقدمه ..... ۱

۲-۱ کلیات ..... ۲

### گفتار اول

۱-۲-۱ تعریف رژیم سیاسی ..... ۱۴

۱-۲-۱-۱ تبیین مفاهیم ..... ۱۶

عوامل سازنده دولت-کشور ..... ۱۹

### گفتار اول

۲-۲-۱ تاریخچه نظام تفکیک قوا ..... ۲۲

۱-۲-۲-۱ تاریخچه تفکیک قوا در حقوق اساسی ایران ..... ۲۲

### گفتار دوم

۲-۲-۲-۱ تاریخچه تفکیک قوا در حقوق اساسی غرب ..... ۳۱

### گفتار اول

۳-۲-۱ مبانی تفکیک قوا ..... ۳۸

۱-۳-۲-۱ تفکیک قوا از دیدگاه فلاسفه یونان ..... ۳۸

### گفتار دوم

۲-۳-۲-۱ تفکیک قوا از دیدگاه اندیشمندان فرانسوی ..... ۴۲

### گفتار سوم

۳-۳-۲-۱ تفکیک قوا از دیدگاه اندیشمندان غرب ..... ۵۵

انتقاد از تفکیک قوای کلاسیک و طرح تفکیک نوین وظایف ..... ۵۵

(۱) تعادل از راه تفکیک مطلق قوا ..... ۵۹

(۲) تعادل از راه تفکیک نسبی قوا ..... ۶۰

### گفتار اول

۴-۲-۱ تقسیمات تفکیک قوا ..... ۶۱

شش

- ۱-۴-۲-۱ تقسیم از لحاظ نوع قدرت..... ۶۱
- الف) تفکیک مطلق قوا ..... ۶۱
- ب) تفکیک نسبی قوا ..... ۶۳
- گفتار دوم
- ۱-۴-۲-۲ تقسیم از لحاظ جغرافیایی ..... ۶۵
- الف) تفکیک طولی قوا ..... ۶۶
- ب) تفکیک عرضی قوا ..... ۶۷
- گفتار اول
- ۱-۲-۵ روابط قوا و تقسیم بندی رژیمها ..... ۶۸
- گفتار دوم
- ۱-۲-۵-۱ رژیم ریاستی (تفکیک کامل و مطلق قوا) ..... ۷۰
- گفتار سوم
- ۱-۲-۵-۲ رژیم پارلمانی (تفکیک نسبی قوا) ..... ۷۲
- گفتار چهارم
- ۱-۲-۵-۳ رژیم نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی ..... ۷۶
- گفتار پنجم
- ۱-۲-۵-۴ رژیم اقتدارگرا (اختلاط قوا) ..... ۸۰

### فصل دوم - نظام تفکیک قوا در ایران

- ۱-۲ تفکیک قوا در دوران مشروطیت ..... ۸۲
- گفتار اول
- ۱-۱-۲ جایگاه تفکیک قوا در دوران مشروطیت ..... ۹۲
- گفتار دوم
- ۲-۱-۲ ساختار قوای سه گانه در قانون اساسی مشروطیت ..... ۹۵
- گفتار سوم
- ۳-۱-۲ اختیارات و وظایف قوای سه گانه در دوران مشروطیت ..... ۹۷
- ۱-۳-۱-۲ قوه مقننه ..... ۹۷
- الف) انشای قانون در مقابل استقرار آن ..... ۹۷



- ب) مرحله استقرار یافتن قانون ..... ۹۸
- ج) وظایف خاص مجلس شورای ملی ..... ۱۰۰
- د) وظایف و اختیارات هر دو مجلس (شورای ملی و سنا) ..... ۱۰۴
- گفتار دوم
- ۲-۱-۳-۲ قوه مجریه ..... ۱۰۵
- الف) وظایف و اختیارات پادشاه ..... ۱۰۷
- ب) اقتدارات پادشاه بر قوه مقننه ..... ۱۰۸
- ج) اقتدارات پادشاه بر قوه قضائیه ..... ۱۰۹
- گفتار سوم
- ۲-۱-۳-۳ قوه قضائیه ..... ۱۱۲
- گفتار چهارم
- ۲-۱-۳-۴ نتایج تفکیک قوا در دوره مشروطیت ..... ۱۱۴
- ۲-۲ تفکیک قوا در دوران پهلوی اول و دوم ..... ۱۱۶
- ۲-۲-۱ ساختار قوای سه گانه در دوران پهلوی اول و دوم ..... ۱۱۷
- الف) تفویض اختیار قانونگذاری به صورت مطلق ..... ۱۲۱
- ب) تفویض اختیار قانونگذاری به طور نسبی ..... ۱۲۱
- گفتار اول
- ۲-۲-۲ وظایف و اختیارات قوای سه گانه در دوران پهلوی اول و دوم ..... ۱۲۳
- ۲-۲-۲-۱ قوه مقننه ..... ۱۲۳
- الف) وظایف مختص مجلس شورای ملی ..... ۱۲۴
- ب) وظایف هر دو مجلس ..... ۱۲۵
- گفتار دوم
- ۲-۲-۲-۲ قوه مجریه ..... ۱۲۸
- قسمت اول) پادشاه ..... ۱۲۸
- الف) وظایف و اختیارات پادشاه ..... ۱۳۱
- ب) اقتدارات پادشاه بر قوه مقننه ..... ۱۳۱
- ج) پادشاه و قوه قضائیه ..... ۱۳۴
- قسمت دوم) وزراء ..... ۱۳۵

۱۳۶.....	الف ( حقوق و اختیارات وزیر
۱۳۸.....	قسمت سوم ( نخست وزیر
۱۳۸.....	قسمت چهارم ( هیأت وزیران
	گفتار سوم
۱۳۹.....	۳-۲-۲ قوه قضائیه
۱۴۱.....	۳-۲-۲ نتیجه تفکیک قوا در دوران پهلوی اول و دوم

### فصل سوم - ساختار قوای سه‌گانه

۱۴۲.....	۱-۳ ساختار قوای سه‌گانه و وظایف آنها در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
	مبحث اول :
۱۴۳.....	۱-۱-۳ ارکان قوه مقننه
	گفتار اول
۱۴۴.....	مجلس شورای اسلامی
۱۴۷.....	الف) کمیسیونهای دائم
۱۴۷.....	ب) کمیسیونهای موقت (ویژه خاص)
	مبحث دوم
۱۴۸.....	اختیارات و صلاحیتهای (قوه مقننه) مجلس شورای اسلامی
	گفتار اول
۱۴۹.....	قانونگذاری
	گفتار دوم
۱۵۴.....	شرح و تفسیر قوانین عادی
	گفتار سوم
۱۵۵.....	کار نظارتی مجلس
۱۵۶.....	الف) تحقیق و تفحص
۱۵۶.....	ب) مشارکت در عزل و نصب وزیران
۱۵۷.....	ج) سؤال از وزراء و رئیس جمهور
۱۵۸.....	د) رسیدگی به شکایات مردم
۱۵۹.....	ذ) تصویب عهدنامه بین المللی

	مبحث دوم
۱۵۹.....	۲-۱-۳ قوه مجریه
	گفتار اول
۱۶۱.....	مقام رهبری و قوه مجریه
	گفتار دوم
۱۶۲.....	رئیس جمهور و قوه مجریه
۱۶۳.....	بند (۱) مسؤولیتهای رئیس جمهور
۱۶۴.....	بند (۲) وظایف و اختیارات رئیس جمهور
۱۶۴.....	الف ( مسؤولیت اجرای قانون اساسی
۱۶۵.....	ب) امضای مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی
۱۶۵.....	ج) مسؤولیت امور برنامه و بودجه و اموراستخدامی کشور
۱۶۶.....	د) مسؤولیت در روابط خارجی و بین المللی
۱۶۶.....	هـ) اعطای نشانه های دولتی
۱۶۶.....	و) مسؤولیت در امور انتخابات مجلس شورای اسلامی
۱۶۶.....	ز) ریاست هیأت وزیران
	گفتار سوم
۱۶۷.....	وزراء
۱۶۸.....	بند (۱) مسؤولیت وزراء
۱۶۸.....	(۱) مسؤولیت سیاسی وزراء
۱۶۸.....	(۲) مسؤولیت جزائی وزراء
۱۶۹.....	بند (۲) نحوه عزل وزراء
۱۶۹.....	بند (۳) نحوه کنارگیری وزراء
۱۶۹.....	بند (۴) عزل هیأت وزیران
	مبحث سوم
۱۷۰.....	۳-۱-۳ قوه قضائیه
	گفتار اول
۱۷۱.....	ارکان و ساختار قوه قضائیه و وظایف و اختیارات آنها
۱۷۱.....	بند (۱) رئیس قوه قضائیه

- بند ۲) وزیر دادگستری ..... ۱۷۲
- بند ۳) دیوان عالی کشور ..... ۱۷۳
- بند ۴) دادگاههای نظامی ..... ۱۷۳
- بند ۵) دیوان عدالت اداری ..... ۱۷۴
- بند ۶) سازمان بازرسی کل کشور ..... ۱۷۵

### فصل چهارم - تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران

- ۱-۴ تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران و روابط قوای سه گانه با یکدیگر ..... ۱۷۸

#### مبحث اول

- روابط قوای سه گانه در جمهوری اسلامی ایران مفهوم تفکیک قوا ..... ۱۸۰

#### گفتار اول

- ۱-۴-۱ رابطه قوه مقننه با قوه مجریه (اقتدار کامل قوه مقننه بر قوه مجریه) ..... ۱۸۱

- الف) فقدان رابطه میان قوه مقننه و قوه مجریه ..... ۱۸۲

- ب) اطاعت کامل قوه مجریه از قوه مقننه ..... ۱۸۳

- ج) نقش ارشادی قوه مجریه ..... ۱۸۳

#### گفتار دوم

- ۱-۴-۲ روابط قوه مقننه با قوه قضائیه (اقتدار نسبی قوه مقننه بر قوه قضائیه) ..... ۱۸۸

#### گفتار سوم

- ۱-۴-۳ روابط قوه مجریه و قوه مقننه (اقتدار و نفوذ قوه مجریه بر قوه مقننه) ..... ۱۸۹

#### گفتار چهارم

- ۱-۴-۴ نفوذ قوه مجریه بر قوه قضائیه (ارتباط قوه مجریه با قوه قضائیه) ..... ۱۹۶

#### گفتار پنجم

- ۱-۴-۵ روابط قوه قضائیه با قوه مقننه ..... ۱۹۶

#### گفتار ششم

- ۱-۴-۶ روابط قوه قضائیه با قوه مجریه (اقتدار قوه قضائیه بر قوه مجریه) ..... ۱۹۸

### فصل پنجم - نقش رهبری در ارتباط با قوای سه گانه

- ۱-۵ نقش رهبری در ارتباط با قوای سه گانه و نظارت بر آنها ..... ۲۰۳

یازده

## مبحث اول

۲۰۵..... ۱-۱-۵ رهبری و قوه مقننه

## مبحث دوم

۲۰۶..... ۲-۱-۵ رهبری و قوه مجریه

۲۰۶..... الف) ریاست جمهوری

۲۰۹..... ب) فرماندهی کل نیروهای مسلح

۲۱۰..... ج) صدا و سیما

## مبحث سوم

۲۱۰..... ۳-۱-۵ رهبری و قوه قضائیه

## فصل ششم - ارزیابی و نتیجه گیری نهائی

۲۱۴..... ارزیابی و نتیجه گیری

۲۲۴..... منابع

چکیده به زبان انگلیسی

# فصل اول

## مقدمه و کلیات

### ۱-۱ مقدمه

با عنایت به اینکه اصل تفکیک قوا، مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، منجمله جمهوری اسلامی ایران، طبق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی قرار گرفته است، و در کتب حقوق اساسی، کم و بیش بصورت پراکنده و مختصر از آن بحث شده است، اما تاکنون تحقیقی جامع در خصوص آن صورت نگرفته است. لازم بود تا در خصوص موضوع مذکور، و تبیین جایگاه قوای سه گانه، و نحوه عملکرد قوای مذکور به موازات یکدیگر، و نقش رهبری در تنظیم روابط قوای سه گانه با یکدیگر، تحقیقی صورت گیرد، و این نکته مشخص شود، که آیا منظور از پذیرش اصل تفکیک قوا، تفکیک به معنا و مفهوم مطلق آن است یا نسبی آن؟ بر همین اساس این حقیر با مساعدت و راهنمایی های اساتید معظم، تصمیم به انجام امر مذکور گرفتم، که متأسفانه در این زمینه با فقدان منابع نظری به قدر کافی مواجه شدیم، چرا که نویسندگان تمام کتب حقوق اساسی به صورت مختصر و مشابه، موضوع را مورد بحث قرار داده اند، و موارد عملی آن هم بسیار نادر است، اما علی‌رغم تمامی این مسائل سعی نمودیم، تا با بررسی کتب و مقالات مختلف در موضوعات متعدد حقوقی، مطالبی را جمع آوری و تا حدی که مقدور و ممکن باشد، تحقیقی جامع ارائه دهیم، در هر حال، این وجیزه، حاصل تلاش این حقیر در جهت تبیین موضوع، جایگاه تفکیک قوا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد. که با راهنمایی ها و مساعدتهای اساتید بزرگوار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، جناب آقای دکتر سید محسن شیخ الاسلامی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر محمد امامی و دکتر نادر مردانی به عنوان اساتید مشاور

صورت گرفته است، امید است که مورد توجه دانش پژوهان قرار گیرد.

## ۱-۲. کلیات

تفکیک قوا، یکی از مباحث مطروحه در حقوق اساسی است. که به بحث قدرت بر می‌گردد. اینکه قدرت چگونه بوجود آمده، و چگونه تحت مهمیز و کنترل قرار گرفته است از جمله موضوعات تفکیک قوا می‌باشد. تفکیک قوا برای سازماندهی قدرت است. چرا که قدرت فی نفسه فسادآور است، و هر کسی قدرت را در دست بگیرد، گرایش به سوء استفاده از آن دارد. (Abuse of the power)

بنابراین برای اینکه جلوی سوء استفاده از قدرت گرفته شود، باید آن را از تمرکز درآورد و پراکنده کرد، اما با همه حقیقتی که در عدم امکان تفکیک مطلق قوا وجود دارد، حفظ آزادی مستلزم صلاحیت و تشخیص اقتدارات هر یک از سه قوه است، زیرا هر قدرتی که بنحوی از انحاء تقسیم نشود، به سوی استبداد خواهد شتافت. لذا قبل از اینکه به مرحله اجرا درآید، بایستی تجزیه و محدود شود<sup>(۱)</sup> اگر اعلام حقوق مقدس فردی و آزادیهای عمومی، ترسیم حد و مرز قلمرو آزادی فردی و قدرت دولت است، اصل تفکیک قوا، تدبیری اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا یک گروه از فرمانروایان و پرهیز از استبداد و خودکامگی است. بطوری که نویسندگان اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ آن را از الزام آورترین اصول حقوق اساسی دانسته اند، در این خصوص اصل شانزدهم اعلامیه مذکور می‌گوید ((در جامعه ای که حقوق افراد تضمین، اما تفکیک قوا، برقرار نشده باشد قانون اساسی وجود ندارد<sup>(۲)</sup> در هر حال، هم حکمای ادوار باستان و هم متفکران و نویسندگان و فلاسفه قرن هیجدهم و همچنین حقوقدانان عمومی دیروز و امروز، با تکیه بر اصل تفکیک قوا در جهت رفع هراسی کوشیده اند. که از تمرکز فساد انگیز و خودکامه زای قوا در یک شخص یا یک گروه عاید می‌شود. چرا که

۱ - بوشهری جعفر، کلیات حقوق اساسی ایران، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی فروردین ۱۳۵۵، ص ۴۷.

۲ - قاضی شریعت بناهی ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشر یلدا، چاپ ۱۳۷۳، ص ۱۵۴.

بر حسب طبیعت اشیاء و اقتضای سرشت مرکز گرائی، کسی که قدرت را در دست دارد، پیوسته درصدد سوء استفاده از آن است، و قدرت بی حد و مرز خودسری می آورد، که خودسری خودمنشأ انواع فسادها و انحرافات است، به گفته لرد اکتن، "قدرت فاسد می کند و قدرت مطلق مطلقاً فاسد می کند. قدرت هر چه متمرکز تر باشد، در جهت توسعه خویش، شتاب بیشتری می گیرد و به منزله سیلابی است، که بتدریج در بستر زمان جاری، و دیوارها و سدّها و موانع سست و لرزان را از سر راه خود بر می دارد، و راه را برای اعمال هر چه بیشتر نظرات شخص یا گروه حاکم هموار میکند."<sup>(۳)</sup> و از همین جا است که فکر تشخیص قوای گوناگون در دولت که خود شکل نهائی قدرت است، و تلاش برای تبیین هر کدام از آنها، و گرایش نظری به سوی پراکنده کردن قدرت و تقسیم آن میان دستگاہها یا اشخاص از ادوار باستان ذهن اندیشمندان و فلاسفه را به خود مشغول کرده است و اصل تفکیک قوا که بطور وسیع مورد استقبال جهانی قرار گرفته، در واقع تمهیدی برای محو استبداد، و دفاع از آزادی مردم و مقابله با فساد و سوء استفاده از قدرت و متلاشی ساختن اقتدار فشرده حکامی است که خود را مافوق همه کس و همه چیز تصور می کرده اند<sup>(۴)</sup>، در این خصوص اندیشمندان و فلاسفه راه حلها و ابزارهایی مختلف را برای تحدید قدرت ارائه داده اند. یکی از این ابزارها، مکتوب شدن حدود اختیارات قدرت حاکمه (محدودیت ناشی از قانون اساسی) است، مکتوب شدن حدود اختیارات قدرت حاکمه از این نظر موجب محدود شدن قدرت است که خود تدوین<sup>(۵)</sup> محدودیت می آورد.

دومین ابزار برای تحدید قدرت، محدودیت ناشی از بعضی نهادهای محدود کننده است، که در قانون اساسی پیش بینی شده است (اعم از نهادهای سیاسی و قضائی).

۳ - مدنی، سیدجلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر همراہ، چاپ ۱۳۷۰، ص ۱۵۷.

۴ - هاشمی محمد، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، نشر دادگستر، چاپ ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۸.

۵ - تدوین، به معنی اعتقاد به اصول است، وقتی امری تدوین می شود، شما اعلام می کنید اعتقاد به اصولی دارید و به این خاطر است که تدوین قانون اساسی را قدم اول محدودیت قدرت به حساب می آورند.



سومین ابزار برای تحدید قدرت ، نظریات فلسفی است که به نحوی در محدودیت قدرت مؤثر بوده اند (مثل نظریه حاکمیت مردمی، حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی) ، قانون اساسی نه تنها چهارچوب فعالیت‌های دستگاه حاکمه را مشخص می‌کند، بلکه متضمن محدودیتهایی برای دستگاه حاکمه است، یکی از شیوه‌های تحدید قدرت در قانون اساسی دل‌بستگی است که دستگاه‌های دولتی به تفکیک قوا نشان داده اند اما اندیشه تفکیک قوا، اندیشه نوینی نیست، قرن هیجدهم قرن تدوین قانون اساسی است اما تفکیک قوا اندیشه ای است که سابقه طولانی دارد، که در بحث تاریخچه تفکیک قوا از آن بحث می‌شود، تفکیک قوا بیشتر در قالب تفکیک وظایف، یعنی تقسیم کار بین قوای سه‌گانه است، اما تقسیم کار صرف هم نیست، بلکه تفکیک قوا مبنای استقلال هر یک از ارگان‌های دولتی در مقابل دیگری است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل تفکیک قوا را پذیرفته است ( و در اصل پنجاه و هفتم، تصریح می‌کند، به اینکه، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از، قوه مقننه ، مجریه و قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اند و این قوا مستقل از یکدیگرند) حال این تفکیک مطلق است یا نسبی، و اگر نسبی است، نسبت آن چگونه و در چه حدی است. بحث فراوان دارد، که متأسفانه محققان و نویسندگان حقوق عمومی و اساسی به آن نپرداخته‌اند، و در صورتی که هم بحثی نموده اند، آنقدر مختصر و محدود است ، که گاه به ذکر خود اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اکتفا شده است<sup>(۶)</sup>، در هر حال پذیرش اصل تفکیک قوا، تبیین‌کننده اصلی شکل حکومت در کشور ایران است، اسلام سرسختانه با استبداد مقابله می‌کند. خداوند را حاکم اصلی می‌داند (له ملکوت السموات و الارض)، تا افراد نسبت به یکدیگر برتری نداشته باشند و حکومت وسیله ای برای سرکوبی در دست افراد قرار نگیرد، نظر به اینکه هدف از تفکیک قوا نیز جلوگیری از استبداد است، این علت مشترک راه همزیستی دو نظام یعنی (نظام اسلامی و نظام تفکیک قوا) را هموار می‌کند. در این روند است که اصل پنجاه و هفتم

۶ - هاشمی محمد، حاکمیت و نهادهای سیاسی، منبع پیشین ، ص، ۹-۸.

قانون اساسی. نظام تفکیک قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه را به طور نسبی و با شیوه های خاص خود پذیرفته است (که در بحث اینکه آیا تفکیک قوا در ایران مطلق است یا نسبی بیشتر توضیح داده می شود) و بر این اساس هر یک از قوا، متصدی امری از امور زمامداری کشور می گردد، و قسمتی از حاکمیت را از طریق سازمانهای ذی ربط به طریق ذیل اعمال می نماید.

(۱) اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است، که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود، و مصوبات آن پس از طی مراحل برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد (اصل پنجاه و هشتم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

(۲) اعمال قوه مجریه، بجز اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گذاشته شده، از طریق رئیس جمهوری و وزراء است (اصل شصتم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

(۳) اعمال قوه قضائیه، بوسیله دادگاههای دادگستری است. که بایستی طبق موازین اسلامی تشکیل شوند و به حل و فصل دعاوی و اختلافات فی مابین مردم، و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازند، بنابراین طبق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی ایران اصل تفکیک قوا پذیرفته شده است، اما این تفکیک به معنی و مفهوم تفکیک مطلق قوا نیست، بلکه با توجه به دیگر اصل قانون اساسی می توان به وضوح به همکاری و ارتباط بین قوای سه گانه پی برد، یعنی علی رغم استقلال قوای سه گانه حاکم در کشور، روابطی بسیار دقیق و ظریف، بین این قوا وجود دارد، و چون این قوا حاکمیت را از طرف ملت اعمال می کنند، در نتیجه در برابر ملت مسئول هستند، و قانون اساسی، در تدوین قوای سه گانه. علاوه بر ضرورت همکاری قوا، برای تأمین اهداف کلی نظام. مراتبی از ارتباط متقابل توأم با نظارت و مسئولیت. بین قوای حاکم پیش بینی نموده است.<sup>(۷)</sup>

**سؤال اصلی:** آیا تفکیک قوا به طور مطلق و کامل در حقوق اساسی جمهوری

۷ - همان، ص ۱۲.

اسلامی ایران وجود دارد یا به طور نسبی؟

اصولاً تفکیک مطلق قوا، به آن معنی و مفهومی که طرفداران تفکیک مطلق قوا بیان می کنند قابل اعمال نیست، و هیچگاه نمی توان قائل به این شد که دیواری مستحکم و نفوذ ناپذیر بین مظاهر سه گانه یک کلیت واحد که قدرت سیاسی یعنی (حاکمیت)<sup>(۸)</sup> نامیده می شود کشیده شود، و این سه قوه هیچگونه رابطه و همکاری با هم نداشته باشند، زیرا در این صورت هیچ یک از قوا نخواهد توانست آنچنان که شاید و باید، مصالح و منافع ملی و مورد نیاز دولت و ملت را تشخیص داده و اعمال کند و هر قوه راه خود را به طور جداگانه خواهد رفت، بنابراین حدود تعیین کننده قوا را آنگونه که در تئوری مطرح است در عمل نمی توان بوضوح ترسیم کرد، با اینکه وظایف قوای سه گانه ماهیتاً از لحاظ عمل و اقدام با یکدیگر یکی نیستند، اما هر کدام از دستگاههای متصدی یکی از قوا، چاره ای جز ورود در قلمرو دیگری ندارد، همین مسائل موجب شده است، تا نظریه تفکیک نسبی قوا مطرح گردد (رابطه متعادل بین قوا و دخالت مستقیم و غیرمستقیم هماهنگ شده هر کدام در دیگری بدون تفوق و تمرکز. معنی تفکیک نسبی قوا است) طبق این نظریه در عین حالی که وظایف و مسؤولیتهای هر قوه مشخص شده است. اما همکاری نزدیکی بین آنها وجود دارد. و به خاطر اینکه هیچ یک از قوا احساس تفوق و برتری نسبت به دیگری نداشته باشد، اهمیتهایی در مورد هر قوه به دیگری سپرده شده است.<sup>(۹)</sup> بنابراین با توجه به مطالب مذکور. نمی توان کار مجلس را منحصر به وضع قانون کرد. چون در هر حال. این مجلس باید بطور مستقیم یا غیرمستقیم در اجرای قوانین و تصمیمات خود توسط قوه مجریه نظارت داشته باشد. و نحوه کارکرد هیأت وزیران را تحت کنترل و نظارت خود قرار دهد. همین امر در موارد مشابه دیگر مجلس را

۸ - اصطلاح حاکمیت در دولت، با اصطلاح حاکمیت دولت، فرق می کند، منظور از حاکمیت در دولت همان قوای سه گانه حاکمند که طبق اصل پنجاه و هفتم از یکدیگر تفکیک شده اند، و منظور از حاکمیت دولت، نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد، که قوای حاکم در آن با اعمال قدرت، اهداف نظام را تأمین می نمایند.

۹ - عمید زنجانی عباسعلی، فقه سیاسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

و اداری می‌کند، که از حدود قانونگذاری تجاوز نموده، و به فعالیت اجرائی بپردازد، از طرف دیگر هیأت وزیران و دستگاههای اداری، تنها اسیر چهار دیواری اجرای قانون نیستند، بلکه الزاماً بایستی به طور مستقیم یا غیر مستقیم هم در شکل‌گیری قانون از راه تهیه لوایح و هم در تکمیل برد دامنه آن از طریق صدور تصویب‌نامه و وضع آئین‌نامه‌های اجرائی و غیره مشارکت کنند، در نتیجه باید برای هر یک از این سازمانها دو نوع وظیفه قائل شویم. (۱) وظایف هسته‌ای (۲) وظایف جنبی، وظایف هسته‌ای علت اصلی وجود سازمانهای تقنینی، اجرائی، قضائی را تشکیل می‌دهد، اما وظایف جنبی، آنهایی است که بر حسب الزامات مختلف بر فهرست وظایف و اختیارات آنها افزوده می‌شود<sup>(۱۰)</sup>. وظیفه اصلی و هسته‌ای مجلس، تأمل، مذاکره، مشورت و نهایتاً تصویب قانون است و وظیفه جنبی آن ورود در زمینه مسائل اجرائی. نظیر کنترل بودجه، تشکیل دیوان محاسبات و امثال اینها. همچنین وظیفه اصلی و هسته‌ای قوه مجریه اجرائی تصمیمات و قوانین مصوب مجلس است اما وظیفه جنبی آن مشارکت در تهیه و تنظیم قوانین و تعیین خط و مشی سیاسی کشور، برقراری امنیت و گاهی تعیین خطوط تصمیم‌گیری برای مجلس. نظیر تصویب قراردادهای و روابط دیپلماتیک و امثال اینها است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضابطه (قانون) را برای تفکیک قوای حکومت پذیرفته است و بر همین اساس در اصل پنجاه و هفتم مقرر می‌دارد (قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران، عبارتند از قوه مقننه، مجریه و قضائیه، که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت است بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند، این قوا مستقل از یکدیگرند) حال آیا این تفکیک به معنی مطلق قوا در جمهوری اسلامی ایران است؟ که نباید هیچ‌گونه رابطه و همکاری در بین سه قوه مذکور وجود داشته باشد، یا اینکه این اصل فقط در مقام بیان کلیات موضوع است. و منظور از استقلال قوا، تفکیک نسبی قوا، و به عبارتی همکاری و ارتباط بین قوای سه‌گانه است، با توجه به اصول قانون اساسی

۱۰ - قاضی شریعت پناهی ابوالفضل، گفتار در حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، چاپ ۱۳۷۵، ص ۱۹۵.